

هو الابہی - ای یاران عبدالہاء و بندگان جمال ابہی شمس...

حضرت عبدالہاء

اصلی فارسی



۶۱۲

هو الابہی

ای یاران عبدالہاء و بندگان جمال ابہی شمس حقیقت در منطقه البروج دور زد تا در قلب الاسد اشراق فرمود و نور به آفاق بخشید و چنان حرارت و سورتی مبذول داشت و بر کائنات بتافت کہ حقایق اشیاء را بتمامہ از حیث کمون بہ عرصہ وجود مشہود و ظاہر نمود و حقیقت زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها و قال الانسان ما لها یومئذ تحدت اخبارها بان ربک اوحى لها تحقق یافت و سر مکنون و رمز مصون کہ در اراضی قابلیات مستور بود واضح و آشکار شد. بہار الہی آمد و فیض نامتناہی نازل شد. ابر رحمت فیض جاودانی بخشید و شمس حقیقت تابش برج سرطانی نمود. عرصہ وجود مانند بوستان در جہان کیہان جلوہ کرد، یکی شجرہ مبارکہ شد و دیگری الشجرة الملعونہ. یکی چون گل و نسرین روائع عنبرین منتشر نمود و دیگری مانند خار سبب آزردهی خاطر اہل علیین گشت. یکی ثمرہ طیّہ بار آورد و دیگری میوہ تلخ پرزہر آورد. بوم و بری گلشن سرای ہدایت شد و شورہ زار بداختری خار خس ضلالت انبات کرد. یکی بلد طیّب شد و مظهر یخرج نباتہ باذن ربّہ گشت و دیگری حقیقت والذی خبث لا یخرج الا نکدا را واضح و آشکار نمود. باری ای احبابی الہی ہرچند فیض نامتناہی است ولی تباہ کاران را چہ فائدہ روحانی و چہ عائدہ جسمانی. بکلی محرومند و ممنوع و مایوس و مدحور و معذب و مقہور. انوار صبحگاهی را چہ گاہی اگر خفّاش ظلہانی جز حفرہ شبہات نامتناہی پناہی نجوید. نفحات قدس را چہ خطائی اگر جعل را روائع طیّہ گوارا نگردهد و مشام معطر نشود. پس ای دوستان حقیقی و ثابتان پیمان الہی شکر کنید عنایات رحمانی را کہ حرباء شدید نہ خفّاش



ORIGINAL



AUDIO

و بلبل گشتید نه جعل. اشجار طیبه شدید نه درختان پرمرده. گلبن تر و تازه گشتید نه گلخن افسرده و هذا من فضل ربکم الرحمن الذی احاط الامکان و علیکم التّحیّة و الثّناء. ع ع